مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ٤، پاییز زمستان ۱۳۹۹، شمارهٔ پیاپی ۲۳

Doi: 10.22067/jlkd.2021.48674.0

بررسی ساخت هجا در گویش مشهدی بر اساس نظریه‌ی همخوان- واکه

سعیده شجاع رضوی، استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

صص: ۳۴۳-۳۱۷

چکیده

بررسی ساخت هجا در شناخت واجی یک گویش از اهمیت بـه سـزایی برخـوردار اسـت. پژوهش حاضر در قالب طرحی میدانی به بررسی ساخت هجایی گویش مشهدی پرداختـه و بر اساس نظریه‌ی همخوان- واکه به شـیوه‌ی واج آرایـی همخـوان‌هـا و همچنـین تـاثیر واکه‌ی هسته‌ی هجا در انتخاب خوشه‌های همخوانی می‌پردازد. داده‌های زبانی این پژوهش حاصل مصاحبه با ده گویشور مشهدی شامل زن و مرد بـین سـنین ٦٠ تـا ٨٠ سـال و کـم سواد است. پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن ارایه‌ی تفاوت‌های آوایی و ساخت واژی به این مهم بپردازد که گونه ی مورد بررسی گویش است نه لهجه. یافته‌های پـژوهش نشـانگر آن است که عنصر هجایی در گویش مشهدی هسته است که قبل از آن حداکثر دو همخوان و بعد از آن نیز حداکثر دو همخوان می‌توانند قرار گیرند. طی این بررسی مشاهده شـد کـه تمایل گویش مشهدی بیشتر بر هجاهای کوتاه اسـت بـه صـورتی کـه در اغلـب مـوارد در مقایسه با فارسی معیار درج واکه یا فرایند واج افزایی را شاهد می‌باشـیم. واژه‌هـایی ماننـد: بزرگ/□≅βoζoρ/، ترش/toroΣ/ ، سطل/σ{τελ/ نشانگر این فرایند مـی‌باشـد. فراینـد واج افزایی در این گویش به چهار دسته تقسیم می‌شود که در این پـژوهش بـه تفصـیل بـه آن پرداخته شد.

کلیدواژه: گویش مشهدی، ساخت هجا، نظریه‌ی همخوان واکه، فرایند واج افزایی

تاریخ دریافت : ۱۳۹۹/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

پست الکترونیکی:
1. *saeedeshojarazavi@gmail.com*

۱- مقدمه

گویش مشهدی یکی از گویش‌های فارسی دری است که بسیاری از واژه‌های کهن فارسی و ساختار زبانی آن هنوز در این گویش مشاهده می‌شود و یادآور سخن بزرگانی چون رودکی، فردوسی، عطار وخیام است. از آنجایی که فراموشی گویش‌ها و لهجه‌های قومی در جای جای ایران مشاهده می‌شود وجوانان کمتر راغب به استفاده از گویش‌های محلی می‌باشند و شهر مشهد نیز از آن مستثنی نیست، که لزوم بررسی هر چه دقیقتری را در این زمینه می‌طلبد.

گویش مشهدی دارای تنوع بسیاری است به این معنا که در هر گوشه‌ای از این شهر با گونه‌ی خاصی از گویش مشهدی مواجه می‌شویم زیرا افرادی از شهرستان‌های اطراف که گویششان به این گویش بسیار نزدیک است، در جای جای مشهد زندگی می‌کنند و خود را نیز مشهدی می‌دانند. علاوه بر آن به دلیل زیارتی بودن این شهر، گویشوان مختلف از شهرها و روستاهای غیر همجوار در آن زندگی می‌کنند و جالب اینجاست که آنان نیز بعد از سال‌ها زندگی در مشهد لهجه‌ای مشهدی با واژگانی از شهر خود دارند که نام آن را نیز مشهدی می‌گذارند! بر این اساس، پیدا کردن گویش مشهدی و گویشور مشهدی در این شهر بسیار دشوار است اما از آنجایی که نگارنده گویشور بومی است، در تکمیل پرسشنامه‌ها افرادی را انتخاب نمود که مشهدی اصیل می‌باشند و چندین نسل در مشهد زندگی کرده‌اند. موضوع دیگر این که در بین همین گویشوارن صره‌ی مشهدی نیز تفاوت‌هایی آوایی و واژگانی وجود دارد که به دلیل وسعت شهر مشهد و مراودات زبانی با گویشوان دیگر طبیعی می‌نماید. به عنوان مثال مشهدی افرادی که در اطراف حرم مطهر زندگی می‌کنند با مشهدی کسانی که در محله‌ی نوغان هستند و یا کسانی که در محله‌ی کوهسنگی و احمد آباداند بسیار متفاوت است. به همین دلیل سعی شد چهار منطقه‌ی اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب مشهد تفکیک شود و از هر منطقه افراد مشهدی اصیل انتخاب شوند و تفاوت‌های آوایی و واژگانی هر کدام ضبط و پیاده سازی شود. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. در گردآوری داده‌ها سه عامل شمّ زبانی پژوهشگر، مصاحبه با گویشوران و منابع مکتوب موجود در این زمینه مورد استفاده قرار گرفت. پیکره‌ی زبانی گویش مورد پژوهش، واژه‌نامه‌ی گویشی است که پژوهشگر آنرا بر اساس شناخت خود از گویش مشهدی تهیه کرده است و گویشوران به آن پاسخ گفته‌اند و گفتار آنان به صورت ضبط شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر

آن گفتار آزاد نیز به صورت نقل داستان یا شعر به گویش مشهدی گرداوری شد که از کلمات و ساختار آن در پژوهش حاضر استفاده گردید.

در خصوص تفاوت گویش، لهجه و زبان زبانشناسان مطرح کردند: گویش شامل گونه‌هایی از زبان است که تفاوت‌های آوایی، واژگانی و ساختاری با دیگر گونه‌ها دارد و فهم آن برای گویشوران آن زبان مشکل است و گاه نیاز به آموزش رسمی دارد ولی در هر صورت از آن زبان مشتق شده است (صادقی،۱۳٤۹: ۷۵)، (مدرسی،۱۳٦۸: ۲۹) و (دبیر مقدم،۱۳۸۷: ۱۰۳). «لهجه» به گونه‌هایی از زبان اشاره دارد که تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارند ولی از لحاظ ساختار زبانی متفاوت نیستند. برخلاف گویش سخنگویان دو لهجه با تفاوت‌های تلفظی بدون نیاز به آموزش سخن یکدیگر را می‌فهمند(باطنی، ۱۳٥٤: ۱۸). زبان به دو گونه‌ی زبانی که دارای شکل یکسان نبوده صورت‌های گفتاری و نوشتاری متفاوت دارند و سخنگویان آنها درک متقابل از گفتار یکدیگر ندارند اطلاق می‌شود. به عنوان مثال کردی و بلوچی در ایران(دبیر مقدم، ۱۳۸۷)، (مدرسی، ۱۳٦۸). **گونه** اصطلاحی خنثی است که به عنوان مفهومی کلی برای انواع گویش، لهجه و زبان به کار می‌رود(دبیر مقدم، ۱۳۸۷). در برخی از پژوهش‌های انجام شده بر روی گونه‌ی مشهدی پژوهشگران از اصطلاح **لهجه** استفاده کرده‌اند و آن را لهجه دانسته اند مانند بینش(۱۳۳۹)، حبیب الهی، م (۱۳٤۷)، میرخدیوی(۱۳٦۳)، وحیدیان کامیار (۱۳۸٤) (از اصطلاح فارسی مشهدی استفاده کرده است). ناظران پور(۱۳۸٦)، مشکوه الدینی(۱۳۸۷) ، حیدری پور، م (۱۳۸۸). برخی دیگر از پژوهشگران اصطلاح **گویش** را برای گونه‌ی مشهدی به کار برده‌اند مانند: ظفر محجوب، ز(۱۳٤۱)، اکبری شالچی (۱۳۷۰)، وحیدیان کامیار، ت (۱۳۸٤)، زارعی، م(۱۳۸٥)، خزایی، الف (۱۳۸۸)، ، حسینی، ز (۱۳۸۸) پهلوان نژاد، م.ر (۱۳۸۹)، فیروزیان، آ(۱۳۸۹)، نجاتیان، ح(۱۳۹۰). شهریاری راد(۱۳۹٤).

اگر بخواهیم گونهٔ مشهدی امروز که در بین مردم رایج است را در تقسیم بندی لهجه و گویش بر اساس تعاریف فوق قرار دهیم، می‌بایست اصطلاح لهجه را به کار ببریم زیرا با تفاوت واژگانی و آوایی اندکی مواجه می‌شویم که حتی کاربران سعی در پنهان کردن و تصحیح آن دارند و اغلب در پی معادل یابی و جایگزینی فارسی معیار با آن می‌باشند. اما آن مشهدی که نگارنده سعی در حفظ و ثبت آن داشته است و در بین مشهدی های اصیل و آنان که سعی در تغییر لهجهٔ خود ندارند مشاهده می‌شود، حاکی از گویشی دارای نظام آوایی،

ساخت واژی و نحوی خاص خود است که طبق تعاریف زبانشناسان می‌توان آن را گویش نامید که بخش‌هایی از تفاوت‌های نظام آوایی و ساخت واژی آن در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد. طبق تعریف گویش، اگر گویشور مشهدی به گویش اصیل خود صحبت کند تفهیم و تفاهم با گویشور فارسی معیارصورت نمی‌گیرد.

۲- پیشینهٔ پژوهش:

بینش(۱۳۳۹) با پژوهشی با عنوان « چند اصطلاح هواشناسی در لهجه‌ی مشهدی» به توصیف برخی واژه‌های مشهدی پرداخته است. ظفر محجوب (۱۳٤۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «گویش مشهدی» به توصیف ساخت واژی و نحوی گویش[1] مشهدی پرداخته است. ادیب طوسی (۱۳٤۱) درکتاب خود با عنوان« لغات نوقانی(مشهدی)»به گرداوری لغات قدیمی مردم محله‌ی نوقان مشهد پرداخته است. حبیب الهی با پژوهشی با عنوان « کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی» (۱۳٤۷) به بررسی افعال گویش مشهدی پرداخته است. مشکوه الدینی در پژوهشی با عنوان « رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی» (۱۳۸۷) به تفاوت‌های آوایی گویش محلی و فارسی معیار پرداخته است.در بخشی از این پژوهش از مثال‌هایی مشهدی برای توصیف گویش محلی استفاده شده است. میرخدیوی(۱۳٦۳) در اثرش به نام« اشعار مشهدی» تعدادی از اشعار خود، به گویش مشهدی و لطایف نظم و نثر آورده است که همگی اثر خود او است و در بین مشهدی های اصیل این کتاب بسیار پر طرفدار است به طوری که اکثرا در خانه دارند و در محافل می‌خوانند. اکبری شالچی (۱۳۷۰)در اثرش با عنوان« فرهنگ گویش خراسان» ، وحیدیان کامیار (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود با عنوان « گویش مشهدی» و دیگر مقاله اش در سال (۱۳۸٤) با عنوان « بررسی کوتاه ویژگی های فارسی مشهدی» به بررسی زبان‌شناسانه‌ی گویش مشهدی پرداخته است. زارعی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان« بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی» بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت به شاخصه‌های جامعه شناختی زبان پرداخته است. ناظران پور(۱۳۸٦) در اثرش با نام « برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه‌ی شیرین مشهدی» سعی در استفاده از لغات و

---

۱. پژوهش حاضر بر گویش بودن این گونه ی زبانی تاکید دارد به دلیل تفاوتهای آوایی، ساخت واژی اشاره شده در بحث اما در نقل قولها ی آمده آنچه نویسنده‌های ذکر شده گفته اند با رعایت امانت داری آورده شد.

اصطلاحات مشهدی دارد و آداب و رسوم قدیم مشهد را نیز بازگو کرده است. داورپناه(۱۳۸۷) در مقاله‌ی «بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد» به بررسی جامعه شناسی زبان در این شهر پرداخته است. مشکوه الدینی(۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی» از مثال‌های مشهدی برای توصیف زبان محلی استفاده کرده است، حیدری پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان « فرایند مرگ لهجه‌ی مشهدی: عوامل و روش‌های جلوگیری از آن» به تاثیرات فارسی معیار و کم کاربردی گویش شهدی در بین گویشوران پرداخته است. خزایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان« بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی» به نظام آوایی گویش مشهدی در افعال پرداخته است. حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان«بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی ساختار متفاوت واژگانی گویش مشهدی پرداخته است. پهلوان نژاد (۱۳۸۸) در مقاله‌ی « بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی» و در سال (۱۳۸۹) در مقاله‌ی « بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی این گویش پرداخته است. در سال (۱۳۹۰) ایشان و نجاتیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و توصیف نظام آوایی گویش مشهدی» به بررسی گویش محله‌ی نوقان مشهد پرداخته‌اند. پیکره‌ی زبانی این پژوهش بر اساس پرسشنامه‌ی ویژه‌ی گردآوری گویش‌ها از ایران کلباسی است، داده‌های زبانی آوانویسی کلی شده و از لحاظ آوایی، واژگانی و دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. فیروزیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی « بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج شناسی خود واحد» به بررسی نظام آوایی گویش مشهدی پرداخته است. نجاتیان (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان « بررسی و توصیف گویش مشهدی» به بررسی نظام آوایی و ساخت واژی گویش مشهدی پرداخته است. حسینی معصوم و حسینی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان« بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه‌ی مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار» به بررسی جامعه شناسی گویش مشهدی پرداخته اند. پیش قدم، شریفی و عطاران(۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان « بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی» به بررسی مقایسه‌ای گویش مشهدی و زبان انگلیسی به همراه بررسی تاثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی بر میزان استفاده از فعل رفتن پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که استفاده از فعل رفتن به معنای شدن در این گویش تحت تاثیر متغیرهای

سن، جنس، سطح تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی است و کاربرد این فعل در گویش مشـهدی و زبان انگلیسی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشد. شهریاری راد (۱۳۹۵) در کتابی با عنـوان « بررسی گویش مشهدی» به دگرگونی‌های آوایی در گویش مشهدی پرداخته است. در بخشـی به طور مختصر دستور زبان را بررسی کرده و در بخش دیگر کتاب ضرب المثـل‌هـا، اشـعار و ترانه‌های این گویش آورده شده است. در انتهای کتاب، تعـدادی واژه از گـویش مشـهدی نیـز آمده است. در سال (۱۳۹٦) نیز در کتابی با عنوان « ریشه شناسی ٦٥ واژه در گویش مشـهدی» به خانواده های زبـانی پرداختـه اسـت و دگرگـونی‌هـای واجـی ایـران باسـتان در زبـان‌هـا و گویش‌های ایرانی نو را بررسی کـرده اسـت. معـادل‌هـای کـردی، سـکایی، یغنـابی، سـغدی و ...واژه‌های مشهدی را آورده است.

۳- چارچوب نظری

۱-۳- نظریه‌ی همخوان- واکه

کلمنتس و کایزر[1](۱۹۸۳) اثری به نام واج‌شناسی همخوان- واکه منتشر کردند. آنهـا لایـه‌ی همخوان واکه را به عنوان یکی از مولفه‌های بازنمایی هجا معرفی کردند و عنـوان سـاختند کـه لایه‌ی همخوان- واکه از لایه‌های تحلیل ساختواژی است. این لایه در ساختار نقش‌مند هجا نیز کاربرد دارد(به نقل از کرد زعفرانلـو (۱۱۲:۱۳۹۰)). بـرای توصـیف نظریـه‌ی همخـوان- واکـه توصیف هجا ضروری می‌نماید.

۲-۳- هجا:

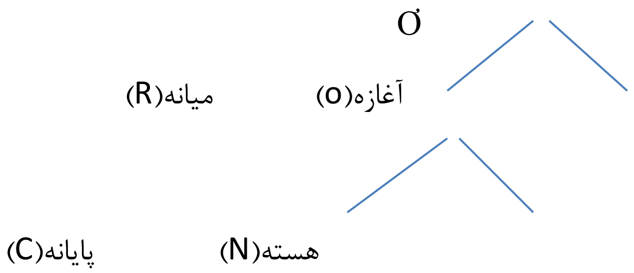
در ارتباط با تعریف و ساخت هجا دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مشـکوه‌الـدینی(۱۳۸۵) نگه داشتن نفس و مکث را عاملی برای تشخیص هجا معرفـی مـی‌کنـد و معتقـد اسـت بـدین طریق، کوتاهترین زنجیره‌ی واحدهای واجی یعنی هجا مشخص مـی‌شـود. همچنـین مـی‌تـوان گفت هجا یک واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری و یک یا چنـد واحـد زبرزنجیری تشکیل شده و ضرورتا یکی از واحدهای زنجیری آن دسـت کـم دارای مختصـه‌ی هجایی است.

1. Clements & Keyser

هیز[۱](۲۰۰۹) معتقد است اغلب مردم هجاهای سازنده‌ی یک واژه یا قطعه‌ای از گفتار زبان خود را به خوبی تشخیص می‌دهند، چرا که هجا به عنوان یک واقعیت واجی در سطح آگاهی گویشوران بومی هر زبانی قرار دارد.

در میان نظریات متعدد واج شناختی نیز، نظریه‌هایی مثل واج شناسی نوایی یا همونـدی[۲] و واج شناسی همخوان – واکه به عنوان نظریه‌های پسازایشی به طور اختصاصی با ساختمان هجا سروکار دارند(کریستال،۲۰۰۸).

افرادی چون تروپتسکوی[۳](۱۹۵۸) در مکتب نقش گرایی سازه‌های کوچک‌تر از هجا را مطرح کرده‌اند که شامل همخوان و واکه به عنوان یک مجموعه است و به آن آغازه، هسته و پایانه می‌گویند. هر هجا ابتدا به آغازه و میانه تقسیم می‌شود و میانه نیز شامل هسته و پایانه است. وجود هسته در ساختمان هجا ضروری است. در قسمت آغازه ممکن است یک یا بیشتر همخوان باشد. در پایانه‌ی هجا نیز ممکن است همخوان یا واکه جا بگیرد.



هسته‌ی هجا علاوه بر آن‌که در ساخت واجی نقش دارد در تمایز هجاهای سبک و سنگین نیز موثر است. منظور از هجای سبک هجایی است که به یک واکه‌ی کوتاه(a,e,o) ختم می‌شود و هجای سنگین به هجایی اطلاق می‌شود که به یک واکه‌ی کشیده(ā,u.i) یک واکه‌ی مرکب و یا یک واکه‌ی کوتاه و همخوان ختم شود(به نقل از کرد زعفرانلو(۱۳۹۰: ۱۵۳).

کرد زعفرانلو(همان) برای اهمیت بررسی هجا سه دلیل مطرح می‌سازد. الف: بررسی واج آرایی به وسیله‌ی بررسی ساخت هجا. وی بیان می‌دارد که محدودیت‌های واج‌آرایی به اصولی اشاره دارد که واج‌های یک زبان بر اساس آنها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال در زبان فارسی، در آغازه‌ی هجا نه خوشه‌ی همخوانی قرار می‌گیرد و نه واکه که این مساله در

1. B. Hayez
2. Prosodic phonology
3. Trubetskoy

ساخت هجا مشاهده می‌شود. ب: فرایندهایی مانند فرایند درج که باعث تقطیع هجا می‌شود با توجه به ساختمان هجا قابل بررسی است. ج: فرایندهای واجی در سطح هجا یا بخشی از آن رخ می‌دهد. از آنجایی که هجا دارای بخش‌های کوچک‌تری است، بازنمایی‌های مختلفی می‌توان برای آن قایل شد. در نظریه‌ی همخوان- واکه، درخت هجا از سه لایه تشکیل می‌شود که عبارت است از: لایه‌ی هجا، لایه‌ی همخوان- واکه[1] و لایه‌ی واجی. این لایه‌ها ویژگی‌های صوری نظام جزء مستقل را دارا هستند و با استفاده از خطوط پیوندی به یکدیگر مرتبط می‌شوند(کلمنتس و کایزر، ۱۹۸۳). لایه‌ی همخوان- واکه بیانگر کمیت واج و لایه‌ی واجی بیانگر کیفیت واج است.لایه‌ی مبنا جایگاه‌های زمان‌بندی را به دیرش زمانی یک واج مرتبط نشان می‌دهد. ضرورت لایه‌ی مبنا را می‌توان در تمایز واکه‌های کوتاه و کشیده وبرخی واج‌ها مانند سایشی‌ها که توالی دو واحد واجی هستند، نشان داد. هر یک از لایه‌ها در این نظریه اصطلاح خاص خود را دارا است. لایه‌ی نخست یا لایه‌ی هجا تنها از یک عنصر بانماد (σ) تشکیل شده و لایه‌ی دوم یا همان لایه‌ی همخوان- واکه از دو عنصر cو v شکل گرفته و لایه‌ی سوم یا لایه‌ی واجی دارای ماتریس‌های آوایی تک ستونی است که جایگاه همخوان‌ها و واکه‌ها را مشخص می‌سازد. زنجیره‌های خوش ساخت در هر لایه، مجموعه‌ای از اعضا است که برای آن لایه تعریف شده‌است(کلمنتس و کایزر، ۱۹۸۳: ۲۵). ساخت سلسله مراتبی هجا از نظر هیز(۲۰۰۹) عبارت است از تقطیع هجا به آغازه (o) و قافیه(R). کرد زعفرانلو (۱۳۹۰:۱۱۲) سه وظیفه‌ی عمده برای نظریه‌ی سه لایه‌ای هجا برمی‌شمارد. الف: باید عبارت‌های خوش ساخت را مشخص کند. ب: باید پارامترهای ساخت هجا در هر زبان را نشان دهد. ج: قواعد هجا سازی و چگونگی ساخت آن‌ها را مشخص کند.

٤- بررسی و توصیف داده‌ها

در این پژوهش میدانی ساخت هجا، محدودیت‌های حاکم بر آن و چگونگی توزیع همخوان‌ها در خوشه‌های همخوانی و تاثیر واکه‌ی هسته‌ی هجا در انتخاب همخوان‌های خوشه‌ی پایانی در گویش مشهدی در چارچوب نظریه ی همخوان- واکه[2] بررسی می‌شود.

---

۱. به لایه ی مبنا معروف شده است. ((Halle& Vergnaud به پیشنهاد ورگناد و هله

2. Cv- phonology theory

برکوئست[1] (۲۰۰۱) به تحلیل واجی مبتنی بر رویکرد نقشی می‌پردازد. وی به منظور تبیین و تشخیص همخوان‌ها و واکه‌های یک زبان ، ابتدا تمامی داده‌های گردآوری شده را بررسی می‌نماید و واحدهای آوایی که احتمال واج بودن آن‌ها در گونه‌ی زبانی بیشتر است را شناسایی می‌کند. آواهای ارائه شده در جدول آواهای همخوانی و واکه‌ای ارایه می‌شوند و این تشخیص براساس سه نوع رابطه‌ی تقابلی، توزیع تکمیلی و مدل آزاد به عنوان واج یا واجگونه شناسایی می‌شود.

در پژوهش خاضر نیز در این گویش ۲۱ واج همخوان و ٦ واج واکه بر اساس انگاره‌ی برکوئست(۲۰۰۱) توسط نگارنده شناسایی شده است که عبارت است از:

جدول ۱- آواهای همخوانی و واکه‌ای گویش مشهدی:

واج‌های همخوانی	τ–Σ–□– ρ–δ–?–Ξ–δZ–φ–ν–δ–□–h– μ–σ–π–ζ–κ–τΣ–ω–β
واج‌های واکه‌ای ساده‌ی بلند	ι–υ–A
واج‌های واکه‌ای ساده‌ی کوتاه	{–ε–A
واج‌های واکه‌ای مرکب	oυ–O{–εi -oY

در این گویش واج(ژ) موجود نیست و به جای آن واج(ج) به کار می‌رود. این واج ارزش واجی در گویش مشهدی ندارد و در مواردی که به‌کار می‌رود نیز می‌بایست واجگونه‌ای از واج (ج) محسوب گردد و در جفت‌های کمینه تقابل معنایی ایجاد نمی‌کند. مانند غُژمَه یا غجمه/ {PoZμ{–PoδZμ/ به معنای دانه‌های انگور(وقتی انگور را می‌شویند، تعدادی انگور از خوشه کنده می شود که به آن غژمه یا غجمه گویند). خانلری معتقد است در فارسی دری آغازین نیز (ژ) واجگونه‌ای از واج (ج) بوده و بعدها تحت تاثیر زبان‌هایی چون پارتی و سغدی به تدریج واجی مستقل شده است(خانلری، ۱۳۷۳).

همخوان همزه نیز در هجای میانی و انتهایی مشاهده نشد. کلمات عربی نیز در این گویش به همین شیوه تلفظ می‌شوند. مانند قلعه: قله /Pελε/ دهات و روستا. نبودن واج همزه نیز

1. D.A. Burquest

نشانگر قدمت این گویش است زیرا در نظام همخوانی فارسی دری نیز واج همزه وجود نداشته است. این واج بعدها تحت تاثیر زبان عربی وارد فارسی شد(صادقی: ۱۳٤۹).

در این گویش همخوان (ذ) در مواردی به جای(د) به کار می‌رود. این (ذ) با (ذ) عربی تفاوت دارد. این آوا سایشی و پشت دندانی ضعیف است در حالی که در عربی سایشی میان دندانی قوی تلفظ می‌شود. مثل: این قدر: اقذر/ρ≅ζ}□ε?/، به او: بذو/βοζυ/، چه‌قدر: چقذر/ρ≅ζ}□ετΣ/، آنقدر: اوقذر/ρ≅ζ}□ο?/، گُمبَذ/ ζ}βμο□/: گنبد. (ذ) در فارسی دری واجگونه‌ای از (د) بوده است(صادقی،۱۳۵۷: ۱۲٦). این همخوان بعد از یک واکه تا سده‌ی هفتم رایج بوده بعد از آن به (د) بدل شده است. اما هنوز رد پای آن در گویش مشهدی مشاهده می‌شود(زمردیان: ۱۳٦۸).

ساخت هجای دوهمخوانی آغازه در باهم‌آیی برخی همخوان‌ها مشاهده می‌شود که به تفصیل خواهد آمد. مانند واژه‌های: پلخمون/πλ}Ξμυν/، دلنگون/δλ}ϑ□υν/ این ساخت نیز بازمانده‌ی ویژگی‌های زبان فارسی میانه در فارسی دری نخستین است(زمردیان: ۱۳۸۸). (که البته به هجای دو همخوانی آغازین در پژوهش زمردیان اشاره‌ای نشده است).

واکه‌ی مرکب /}O/ در واژه‌های خارسو/ΞO}ρ συ/ و خارشو ΞO} Συ نیز بازمانده‌ی ویژگی‌های زبان فارسی میانه در فارسی دری نخستین است(کلباسی:۱۳۸۸). اشتو /}O≅ΣτO?/به معنای چطور، لو/}lO/ به معنای لب، گو /}O□/به معنای گاو.

در این گویش واکه‌ی ساده‌ی ι در بعضی مواردحذف و به جای آن واکه‌ی مرکب/εi/ به کار می‌رود. مانند کلمات پریشان و پشیمان که به صورت‌های پریشان πε4εiΣυν و پشیمانπεΣεiμυν مشاهده می‌شود.

در برخی مواقع تفاوتی میان چ و ج مشاهده نمی‌شود مانند: کلاج، کلاچ/ χΥλΑδΖ–χΥλΑτΣ / به معنای لوچ، چشم چپ.

در این گویش همخوان(ب) نیز در مواردی به جای(و) به کار می‌رود. گاب،گاو /□Αβ / □Αϖ/ به معنای گاو و یا کلمه‌ی گِبرگه، گَورگه/}□ρ≅β}□-}□ρ≅ϖ}□/ سازی منحصر به نقاره خانه امام رضا (ع) که هنگام طلوع و غروب آفتاب نواخته می‌شود.

۱-٤ ساخت هجا

در این بخش به توصیف ساخت هجا و انواع آن، شیوه‌ی واج آرایی همخوان‌ها در آغاز و پایان هجا و چگونگی هسته‌ی هجا در گویش مشهدی پرداخته خواهد شد.

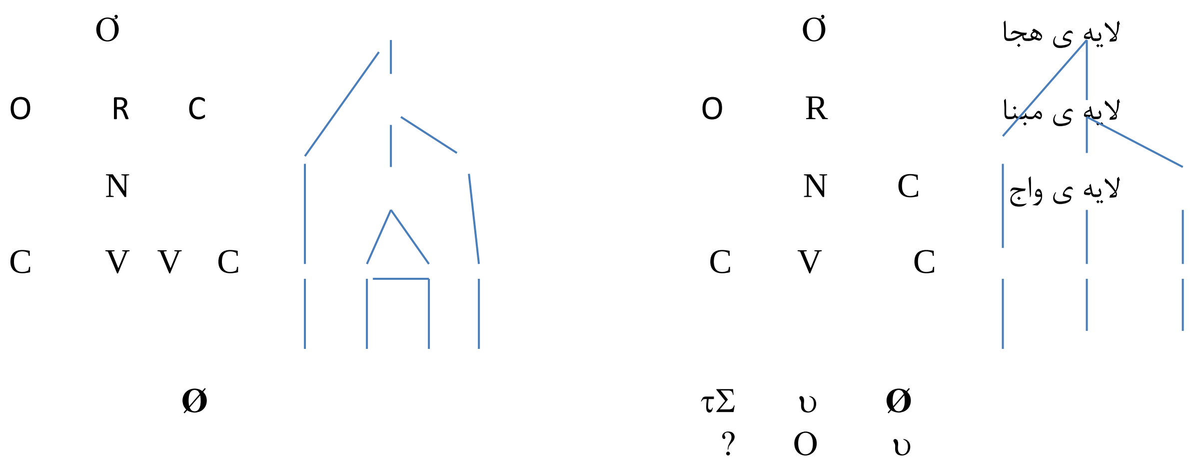
در ساخت هجا، هسته اساسی‌ترین عنصر هجا است که معمولا به صورت واکه‌ی ساده، واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب مشاهده می‌شود. در این بررسی به وجود چهار واکه‌ی مرکب قائل هستیم. در فرهنگ کریستال[۱](2008: ۱۳۹) واکه‌ی مرکب نوعی طبقه‌بندی آوایی واکه‌ها برشمرده شده که بر پایه‌ی شیوه‌ی تولید است. در تعریف وی واکه‌ی مرکب، واکه‌ای است که در حین تولید آن، صرفا در یک هجا شاهد نوعی تغییر کیفی محسوس باشیم. لاور[۲](۱۹۹٤: ۲۸٤) نیز مهمترین ویژگی واکه‌ی مرکب را تغییر محسوس تولید آن از یک واکه به واکه‌ی دیگر در خلال تولید در یک هجا می‌داند. جنسن[۳](۲۰۰٤:۱۵) واکه‌ی مرکب را توالی دو واکه‌ی مختلف می‌داند که در یک هجای واحد قرار می‌گیرد و معمولا یکی برجسته‌تر از دیگری است. او هفت واکه‌ی مرکب در انگلیسی قایل است که عبارتند از(iI, O{, αI, αY, εI,υY,OI). مشکوه الدینی (۱۳۸۷) معتقد است که در فارسی کنونی به سبب تغییر زبان بسیاری از واکه‌های مرکب را نداریم. مثلا صورت آوایی‌oω‌نقش واجی خاصی داشته که به سبب تغییر زبان، این نقش را از دست داده‌است و باز به سبب تغییر بیشتر در گفتار امروز به صورت o ظاهر می‌گردد. مسلما در گویش مشهدی نیز به سبب تغییرات زبانی برخی از واکه‌های مرکب را از دست داده‌ایم و چنانچه در گفتار جوانان بومی مشاهده می‌شود، واکه‌های مرکب رنگ و بوی واکه‌های ساده را به خود گرفته‌اند و به خوبی ادا نمی‌شوند، اما به نسبت فارسی معیار در این گویش واکه‌های مرکب بیشتری مشاهده شد.

در گویش مشهدی می‌توان از طریق حذف یا درج واکه به هسته‌ی هجا به ۶ نوع هجا دست یافت که شرح آن به تفصیل خواهد آمد.

۱-۱-٤- ساخت هجای CV:

در این ساخت، هجا متشکل از یک همخوان و یک واکه اعم از واکه‌ی ساده، واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب می‌باشد.

1. D. Crystal
2. J. Laver
3. J.T. Jenson



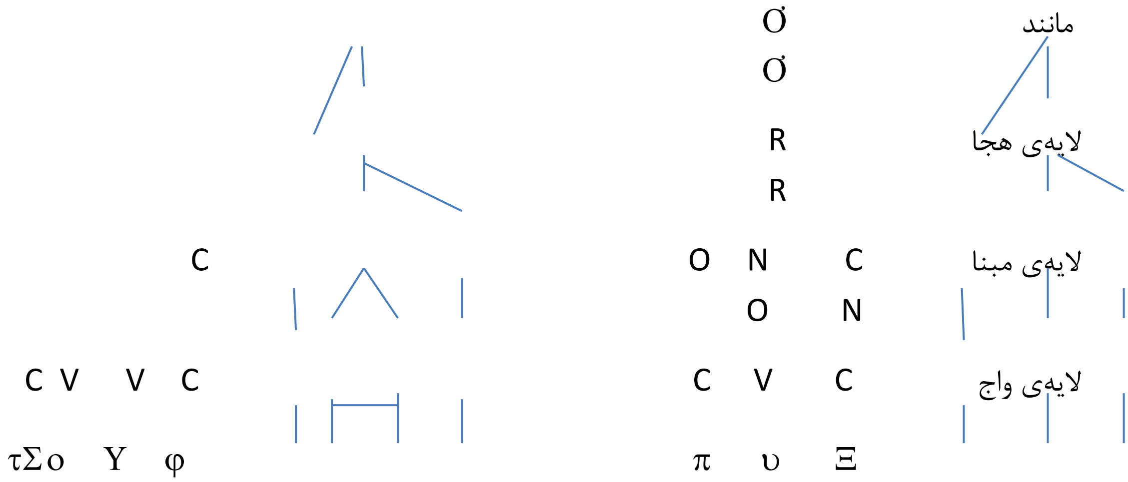
جدول ۲- ساخت هجای C V

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه ی مشهدی	هجای CV
گاو	گو	□oυ	□-oυ
دفعه، بار	بیله	βιλE	β-ι
یونجه خشک	بیده	βιδ{	β-ι
رعد و برق	پایه	πAφE	π-A φ-E
عجیب و غریب، اصطلاحی که برای نشان دادن تعجب به کار می‌رود(تعجباتی که مو نفهمیدم یعنی عجیب بود که نفهمیدم).	تعجباتی	τ{□{δZoβAτι	τ-≅
چرک ضخیم پشت دست یا پا	پغنه	π{P{νE	π-{
کپک مواد غذایی	پوچه	πυτΣυ	π-υ
آب	او	?Oυ	?-Oυ
مترسک	چوله غزک	τΣOυλ≅P≅ζ{χ	τΣ-Oυ

در این جدول برخی از هجاهای(cv) که در کلمات این گویش مشاهده شده بود به عنوان نمونه آورده شد.

۲-۱-٤- ساخت هجای C VC:

در ایـن سـاخت یـک واکـه در میـان دو همخـوان قـرار مـی‌گیـرد. ایـن سـاخت یکـی از پرکاربردترین ساخت‌های هجایی در گویش مشهدی است. در ایـن گـویش عمومـا هجاهـای CVCC فارسی معیار با فرایند واج افزایی[۱] شکسته می‌شود و در این ساخت قرار می‌گیـرد. در جدول(٤) به این نمونه‌ها پرداخته شد.



۳-۱-٤- درج واکه در هجای CVCC

واژه‌هایی که در این گویش با فرایند درج واکه شکسته می‌شود و هجاهایCVCC فارسی معیار را تبدیل به دو هجایCVC +CV می‌کنند در جدول ذیل آمده است. این فراینـد کـه در طی آن هجای کشیده تبدیل به دو هجای کوتاه مـی‌شـود، در چنـد سـاخت مشـاهده شـد کـه عبارتند از:

الف: بررسی داده‌ها حاکی از این است که فرایند درج واکه‌های (o,e) در برخی ساخت‌هـا دیده می‌شود. اگر هجا دارای ساخت CVCC باشد و همخوان انتهایی خوشـه‌ی دو همخـوانی پایانه یکی از همخـوان‌هـای(l,r,g,s,z,n,β) باشـد، بـین دو همخـوان انتهـایی واکـه‌ی e درج

1 Epenthesis

می‌شود مانند: واژه‌ی بزرگ که در ترکیب «آقا بزرگ» به صورت βoζoρ≅ تلفظ می‌شـود و در واقع هجای کشیده‌ی ζoρ به صورت دو هجای کوتاه ζo+ ρ≅ به کار می‌رود.

جدول ۳- ساخت هجای cvc

هجای CVC	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
δZ-o-λ	βoδZoλ	بجل	استخوان مچ پای گوسفند، قاب گوسفند که با آن بازی می‌کردند.
β-{-Ξ	β{ΞτE	بخته	گوسفند نر دو تا سه ساله
4-A-	βo4A	براق	زل زده، چشم در چشم، آماده‌ی جنگیدن
β-{-λ	β{λχoμ	بلکم	بلکه
β-{-σ	β{σχι	بسکی	بس که
β-υ-τΣ	βυτΣ	بوچ	لپ، گونه
β-υ-ζ	βυζ	بوز	بز
β-ε-φ	βεφPYΣ	بیغوش	جغد
π-A-λ ζ-ι-χ	πAλζιχ	پالزیک	پرستو
π-o-Ξ	πoΞ	پخ	قی چشم
π-E-ρ	πEρηιβ	پرهیب	سایه- شبح
π-o-σ	πoσ	پوس	پوست
τΣ-Y-φ	τΣYφ	چوی	چای
π-{-τ	π{τ	پت	موی در هم و شانه نشده
π-υ-Ξ	πυΞ	پخ	علف خشک، آدم لاغر
τ-A-σ	τAσ	تاس	کاسه
τ-{-λ	τ{λ	تل	شبیه، مانند
τ-ι-λ	τιλ	تیل	طالبی
δZ-o-λ	δZoλ	جل	لباس کهنه، رو اندا ز چارپا
χ-Oυ-Σ	χOυΣ	کوش	کفش

ب: نوع دیگری از افزایش یا درج واکه افـزوده شـدن واکـه‌ی o در هجاهـایی بـا سـاخت CVCC می‌باشد که همخوان انتهایی آن یکی از همخوان‌های (m,b) باشد. مانند چشم کـه بـه صورت/τΣεΣομ/ مشاهده می‌شود. البته به دلیـل همگـونی واکـه‌ای اسـتثناهایی نیـز مشـاهده می‌شود مانند مثال ترش/toroΣ /.

جدول ٤- درج واکه در هجای CVCC

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه ی مشهدی	هجای CVC و فرایند واج افزایی
اسب	اسب	?{σεβ	σ-ε-β
چشم	چشم	τΣεΣομ	Σ–o–μ
بزرگ	بزرگ	βοζορ≅□	ρ–≅–□
برگ	بلگ	β{λ≅□	λ–≅–□
تلخ	تلخ	τ{λεΞ	λ–ε–Ξ
صبر	صبر	σ{β≅ρ	β–≅–ρ
ترش	ترش	toroΣ	r–o–Σ
پتک	پتک	ποτ≅χ	τ–≅–χ
سطل	سطل	σ{τελ	τ–ε–λ
گفت	گفتک	□οφτ≅κ	τ–≅–κ
برد	بردک	βορδ≅κ	δ–≅–κ
حکم	حکم	ηοκομ	κ–o–μ
زخم	زخم	ζ{Ξομ	Ξ–o–μ
چرب	چرب	τΣ{roβ	r–o–β
اخم	اخم	?{Ξομ	Ξ–o–μ

ج: کلماتی مانند پست، پوست، کلفت و.. که دارای ساخت هجـایی CVCC هسـتند و بـه همخوانτ ختم می‌شوند این همخوان انتهایی حذف می‌شود و به صورت ποσ تلفظ می‌شـوند. در اینجا واکه افزایی وجود ندارد ولی با کوتاه سازی، تلفظ هجای CVCC میسر میشـود.که در گونه‌ی گفتاری بسیار شایع است.

جدول ۵- ساخت هجای CVCC

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه ی مشهدی	هجای CVCC
باد تند، سریع	برغست	β{ρ□Aστ	□-A-στ
نوچ، چسبناک	الفج	?{λεφδZ	λ-ε-φδZ
سقف	چخت	τΣoΞδ	τΣ-o-Ξδ
نوعی گیاه شبیه شاهی که خودرو است و اول بهار می روید و در آش و کوکو استفاده می‌کنند.	بلغست	βελ□εστ	□-ε-στ
نوعی دیگ مسی	غلفت	P{λεφτ	λ-ε-φτ
باد معده	غینگ	□ιϑ□	ϑ□-ι-□
غضروف	غرچنگ	□ερτΣ{ϑ□	τΣ-{-ϑ□
نوعی ماست که با دوغ ترکیب می‌شود.	گرماست	□oρμ{στ	μ-{-στ
قلدر و قوی هیکل	غلتشنگ	□Oλ τ{Σ{ϑ□	Σ-{-ϑ□
آدامس	آدانس	?AδAνσ	δ-A-νσ
برنز	برنس	βo4oνσ	4-o-νσ
پشت بام	بومب	βυμβ	β-υ-μβ
بغض	بوغض	βY□ζ	β-Y-□ζ
دانگ	دنگ	δoϑ□	δ-o-ϑ□
یک لحظه	ترغست	τ≅ρ□Eστ	□-E-στ
نوک پرنده – لبه- جلو	چینگ	τΣιϑ□	ϑ□-ι-τΣ

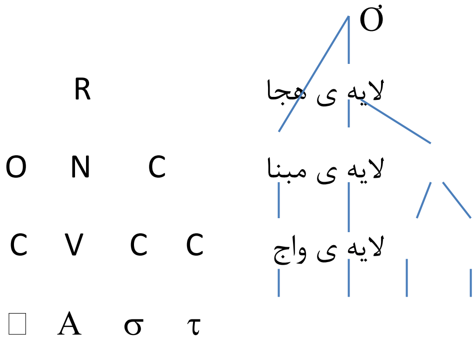
د: در افعالی مانند برد، گفت،سوخت، هست، بست و ... علاوه بر درج واکه شاهد افـزایش همخوان[۱] κ نیز می‌باشیم مانند: گفت که تبدیل به □oφτ≅κ می‌شود. در واقع این ساخت هجـا

۱. فرایند افزایش همخوان را در واژه‌ی کیک نیز مشاهده می‌کنیم. این واژه بـا سـاخت هجـایی CVCC همخـوان بعـد از واکه‌ی خود یعنی j را از دست می‌دهد اما در انتها دچار فرایند افزایش همخوان شده و همخوانs را می‌پـذیرد و تبـدیل بـه واژه‌ی □□□ می‌شود.

CVCC تبدیل به دو هجای کوچک‌تر CV +CVCمی‌شود. نمونه‌ها از چهار ساخت مطرح شده، در جدول شماره(٤) آورده شد.

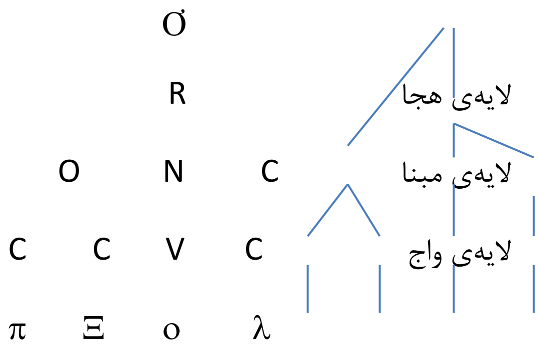
٤-١-٤- ساخت هجای CVCC:

در این ساختار هجا که به نسبت ساخت‌های قبلی کم کاربردتر است، درج دو واژه‌ی همخوانی در انتهای هجایCV است. یا به عبارتی یک واکه و سه همخوان در این ساخت مشاهده می‌شود.



٤-١-٥- ساخت هجای CCVC

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و یک همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی یک همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است.

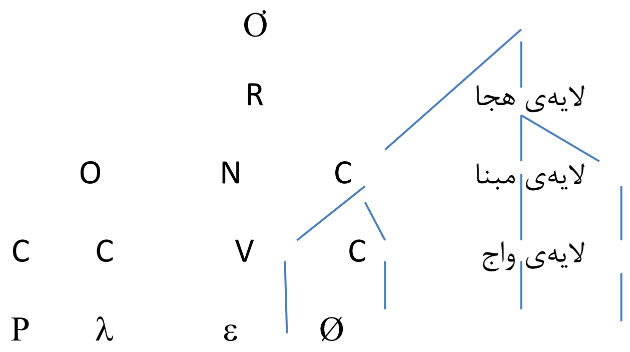


جدول ٦- ساخت هجای CCVC

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه ی مشهدی	هجای CCVC
تیرکمان	پلخمون	πλ{Ξμυν	πλ–{–Ξ
اندک، کم	پلق	πλεP	P–ε–πλ
پریشان و آشفته	پتیخ	πτιΞ	Ξ–ι–πτ
پنگول	پخل	πΞολ	λ –ο–πΞ
پهن	پچیخ	πτΣιΞ	Ξ–ι–πτΣ
خراب، داغون	پتل	πτΑλ	πτ–αλ
بالا	بالا	βλΑ	β–λ–α
آویزان	دلنگون	δλ{ϑ□υν	δλ–{–ϑ

٦-١-٤ ساخت هجای CCV

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و یک واکه در انتها قرار می‌گیرد. یا بـه عبـارتی یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است.

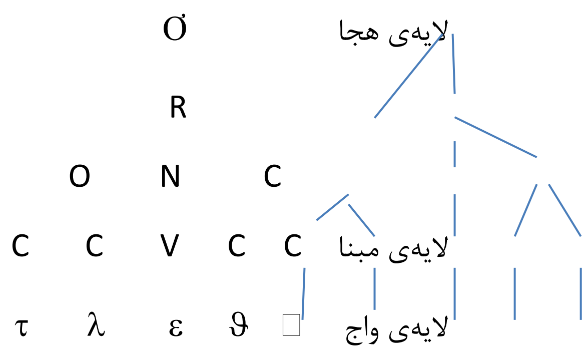


جدول ۷- ساخت هجای CCV

هجای CCV	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
τλ–ε	**τλε**	تله	تله
Pλ–ε	**Pλε**	قله	قلعه، روستا
δλ–{	**δλ{**	دله	شکمو، حریص
□–λ–{	δΖεζ□λ{	جزغله	دنبه‌ی سرخ شده

۷-۱-٤ ساخت هجای CCVCC:

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و دو همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی دو همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است. این ساخت نیز بسیار کم کاربرد است اما در گویش مشهدی مشاهده شده است. با توجه به پیکره‌ی گردآوری شده از گویش مشهدی، خوشه‌های دو همخوانی آغازه در این گویش عبارتند از:



جدول ۸- ساخت هجا ccvcc

خوشه ی دوهمخوانی آغازه و پایانه	واژه ی مشهدی		معادل فارسی
πΣ–ι–ϑ□	**πΣιϑ□**	پشینگ	پاچیدن آب
πλ–{–ϑ□	**πλ{ϑ□**	پلنگ	پلنگ
πλ–{–Στ	**πλ{Στ**	پلشت	آلوده و کثیف
τλ–ε–ϑ□	**τλεϑ□**	تلنگ	باد معده
□Σ–{–ϑ□	**□Σ{ϑ□**	قشنگ	قشنگ
μΣ–{–ϑ□	**μΣ{ϑ□**	مشنگ	خل و دیوانه

٤-١-٨- خوشه‌های دوهمخوانی آغازه:

با توجه به پیکره‌ی زبانی گویش شهر مشهد، توزیع همخوان‌ها درخوشه‌های دو همخـوانی آغازه به شرح زیر است. درجدول زیر جایگاه قرارگیری واج‌های مختلف در سـاختار هجـایی دو همخوانی ارایه می‌شود. در این جدول واج‌های ستون افقی جایگاه آغازی واکـه و واج‌هـای ستون عمودی در جایگاه دوم خوشه‌ی دو همخوانی قرار دارند.

جدول ۹- خوشه‌های دوهمخوانی آغازه

	p	**b**	**t**	**d**	**k**	□	**s**	**z**	**Σ**	**h**	**?**	**Ξ**	**τ Σ**	**δ Z**	**m**	**n**	**r**	**l**	**G**	**j**	**w**
p			❊				❊		❊								*	*			
b							❊									❊					
t	❊																❊	❊			
d																	❊	❊			
k			❊						❊									❊			
□																		❊			❊
s															❊			❊			
z															❊						
Σ	❊																				❊
h																					
?																					
Ξ																					
τ Σ																	❊	❊			
δ Z								❊													
m																❊					
n															❊						❊
r																❊					
l																					
G																					
j																					
w																					

با توجه به جدول فوق ، توزیع دو همخوانی در خوشه ی آغازی و پس آغازی به صورت زیر است:

۱- همخوان/p / قبل از همخوان‌های /s, l,Σ, r, t / مشاهده شد.

۲- همخوان/ b / قبل از همخوان‌های/s,n / مشاهده شد.

۳- همخوان/ t / قبل از همخوان‌های/p,r,l / مشاهده شد.

٤- همخوان/ d/ قبل از همخوان‌های/r,l / مشاهده شد.

۵- همخوان/ k/ قبل از همخوان‌های/l,Σ,t, / مشاهده شد.

٦- همخوان/ □/ قبل از همخوان‌های/l,w / مشاهده شد.

۷- همخوان/ s / قبل از همخوان‌های/m,l / مشاهده شد.

۸- همخوان/ z / قبل از همخوان‌های/m / مشاهده شد.

۹- همخوان/ Σ/ قبل از همخوان‌های/p,w/ مشاهده شد.

۱۰-همخوان/ h / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

۱۱-همخوان/ ?/ قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

۱۲-همخوان/Ξ / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

۱۳-همخوان/ τΣ/ قبل از همخوان‌های/r,l / مشاهده شد.

١٤-همخوان/ δZ/ قبل از همخوان‌های/z/ مشاهده شد.

۱۵-همخوان/ m / قبل از همخوان‌های/n / مشاهده شد.

١٦-همخوان/ n / قبل از همخوان‌های/m,w / مشاهده شد.

۱۷-همخوان/r/ قبل از همخوان‌های/n / مشاهده شد.

۱۸-همخوان/ l / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

۱۹-همخوان/G / قبل از همخوان‌های/l / مشاهده شد.

۲۰-همخوان/j / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

۲۱-همخوان/ w / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

چنانچه مشاهده شد خوشه‌ی دو همخوانی آغازه در گویش مشهدی دارای شرایطی است که به تفصیل ارایه گردید. هیچ دو همخوان آغازه‌ای تکراری نیست یا به عبارت دیگر همخوان‌های یکسان در ساخت خوشه‌ی همخوانی آغازین دخیل نیستند. تعدادی دارای بسامد

وقوع بالایی هستند مانند/p,t,k/ و برخی دیگر بسامد وقوع کمتری دارند. ممکن است در دوره‌های پیشین این گویش دارای خوشه‌های دو همخوانی آغازین بیشتری بوده اما در حال حاضر این تعداد مورد بررسی قرار گرفت.

۵- نتیجه گیری:

چنانچه اشاره شد اگر بخواهیم گونه‌ی مشهدی امروز که در بین مردم رایج است را در تقسیم بندی لهجه و گویش بر اساس تعاریف فوق قرار دهیم، می‌بایست اصطلاح لهجه را به کار ببریم زیرا با تفاوت واژگانی و آوایی اندکی مواجه می‌شویم که حتی کاربران سعی در پنهان کردن و تصحیح آن را دارند اما آن مشهدی که نگارنده سعی در حفظ و ثبت آن داشته است، حاکی از گویشی دارای نظام آوایی ، ساخت واژی و نحوی خاص خود است که طبق تعاریف زبانشناسان می‌توان آن را گویش نامید و بخش‌هایی از تفاوت‌های نظام آوایی و ساخت واژی آن در پژوهش حاضر مشاهده شد. پژوهش حاضر در تایید نظر پژوهشگرانی مانند ظفر محجوب(۱۳٤۱) اکبری شالچی(۱۳۷۰) وحیدیان کامیار(۱۳۸٤) زارعی(۱۳۸۵) خزایی(۱۳۸۸) حسینی(۱۳۸۸) پهلوان نژاد(۱۳۸۹) فیروزیان(۱۳۸۹) نجاتیان(۱۳۹۰) و شهریاری راد(۱۳۹٤) لفظ گویش را برای این گونه‌ی زبانی استفاده نمود.

مهمترین نتیجه‌ی بحث حاضر وجود هجای کوتاه در گویش مشهدی است به این شکل که گویشوران هجاهای بلند و کشیده را با فرایند درج واژگانی تبدیل به هجای کوتاه می‌کنند تا در نظام آوایی این گویش قابل تلفظ باشد.به عنوان مثال: اسب/σεβ}?/، چشم/τΣεΣομ/، تلخ/τ}λεΞ/ گفته میشود که نمونه های مفصل ان در بحث ارایه شد. تفاوت دیگر وجود خوشه‌های دو همخوانی آغاز هجا است که در فارسی معیار مشاهده نمی‌شود که نشانگر قدمت این گویش و بازماندن ساختار هجایی پیشین زبان فارسی است.

در نهایت بر اساس داده‌های این پژوهش نتایج ذیل حاصل شد:

گویش مشهدی دارای۲۱ همخوان و ٦ واکه‌ی ساده و٤ واکه‌ی مرکب می‌باشد. در این گویش همخوان ژ مشاهده نشد.

در این گویش خوشه‌ی دو همخوانی در آغاز و انتهای هجا وجود دارد که در فارسی معیار وجود ندارد.

در ساخت‌های هجایی دوهمخوان آغازین همخوان‌های /Σ,s,p,b,t,d,k,□,m,n,r,G,τΣ,δZ/به‌عنوان آغازه مشاهده شد که در این خصوصیت نیز متفاوت با فارسی معیار است.

مشاهده شد که در ساخت‌های هجایی دوهمخوان آغازین همخوان‌های /l,j,w,Ξ, h,?/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار گیرند.

در ساختار هجا مشاهده شد هجاهای این گویش با فرایند درج واکه شکسته می‌شود و هجاهایCVCC فارسی معیار را تبدیل به دو هجایCV+ CVC می‌کنند.

در این گویش فرایند درج واکه‌های (o,e) در ساخت‌هایی دیده می‌شودکه هجا دارای ساخت CVCC باشد و همخوان انتهایی خوشه‌ی دو همخوانی پایانی یکی از همخوان‌های(b,l,r,g,s,z,n,) باشد، بین دو همخوان انتهایی واکه‌ی e درج می‌شود.

نوع دیگری از افزایش یا درج واکه افزوده شدن واکه‌ی o در هجاهایی با ساخت CVCC می‌باشد که همخوان انتهایی آن یکی از همخوان‌های (m,b) باشد. درکلماتی که دارای ساخت هجایی CVCC هستند و به همخوانτ ختم می‌شوند این همخوان انتهایی حذف می‌شود.

در افعالی مانند برد، گفت،سوخت نیز علاوه بر درج واکه شاهد افزایش همخوان κ نیز می‌باشیم مانند: گفت که تبدیل به □οφτ≅κ می‌شود.

کتابنامه

۱- ادیب طوسی، م.(۱۳٤۱). لغات نوقانی(مشهدی). ***نشریه‌ی دانشکده ادبیات تبریز***، ۱،۳/۲، ۱-٤۱.

۲- اکبری شالچی، ا. (۱۳۷۰). ***فرهنگ گویش خراسان بزرگ***. اوّل. تهران: نشر مرکز.

۳- بینش، ت.(۱۳۳۹). چند اصطلاح هواشناسی در لهجه‌ی مشهدی. ***نشریه فرهنگ خراسان***،۱،٤/۲، ۳۳-۳٦.

٤- پهلوان نژاد، م. ر.(۱۳۸۸). بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی. ***چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی***(۳۳) مشهد: دانشگاه فردوسی.

۵- پهلوان نژاد، م. ر.(۱۳۸۹) بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی. ***خلاصه مقالات همایش بین المللی گویشهای مناطق کویری ایران***.(۱۲۳) سمنان: دانشگاه سمنان.

٦- پیش قدم، ر. شریفی، ش. عطاران، آ.(۱۳۹۳) بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی: شباهت‌ها و تفاوت‌ها. ***زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان***، ٩/٦ ، ١١، ٥٥-٧٧.

٧- حبیب الهی، م. (١٣٤٧). کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی. **دانشکده ادبیات مشهد**،٧/٣، ٣، ٢٠٠-٢٤٤.

٨- حسینی، ز.(١٣٨٨). بررسی صامتهای میانجی در گویش مشهدی. ***چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی.*** (٢١١) مشهد: دانشگاه فردوسی.

٩- حسینی معصوم، س و حسینی، ت (١٣٩٢). بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار. ***مجله زبانشناسی و گویشهای خراسان***.٥/ ٩، ١٠، ١١٩-١٤١.

١٠-حیدری پور، م. (١٣٨٨). فرایند مرگ لهجه‌ی مشهدی : عوامل و روشهای جلوگیری از آن. ***چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی***.(٢١٣)مشهد: دانشگاه فردوسی.

١١-خانلری،پ. (١٣٧٣) ***دستور تاریخی زبان فارسی***، چاپ سوم، تهران. انتشارات توس.

١٢-خزایی، آ. (١٣٨٨). بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی. ***چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبانشناسی***. (٤١)مشهد: دانشگاه فردوسی.

١٣-داورپناه، ا. (١٣٨٧). بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد. ***نخستین همایش بین المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران***. (١٨) زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

١٤-زارعی، م. (١٣٨٥). ***بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت***. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.

١٥-شهریاری راد، پ. (١٣٩٥) ***بررسی گویش مشهدی***، چاپ اول، مشهد: نشر کتابدار.

١٦-شهریاری راد، پ. (١٣٩٦) ***ریشه شناسی ٦٥ واژه در گویش مشهدی***،چاپ اول، مشهد: نشر کتابدار.

۱۷–شهریاری راد، پ(۱۳۹٤) بررسی زبانشناختی گویش مشهدی، اثبات مشهدی به عنوان یک گویش، ***سومین همایش ملی زبانشناسی و آموزش زبان فارسی ، چشم انداز پژوهش‌های زبان در قرن ۲۱.*** (۱۸–۳۷) مشهد: دانشگاه فردوسی.

۱۸–صادقی، ع.(۱۳٤۹). ***بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت.*** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.

۱۹–زمردیان، ر. (۱۳٦۸). ***زبان‌شناسی عملی***، جلد اول، مشهد: انتشارات آستان قدس.

۲۰–ظفر محجوب، ز. (۱۳٤۱). ***گویش مشهد.*** (پایان‌نامه‌ی کارشناسی). مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۱–فیروزیان، آ. (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج شناسی خود واحد. ***خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران***، (۱۱۳) سمنان: دانشگاه سمنان.

۲۲–کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.(۱۳۹۰). ***واج شناسی رویکردهای قاعده بنیاد.*** چاپ اول، تهران: سمت.

۲۳–کلباسی، ا.(۱۳۸۸). ***فرهنگ توصیفی گونه‌های زبان ایرانی***، تهران.: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲٤–میرخدیوی، ا. (۱۳٦۳). ***اشعار مشهدی: گزیده شیرین ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه‌ی مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان.*** مشهد: انتشارات باستان.

۲۵–ناظران پور، م. (۱۳۸٦). ***برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه‌ی شیرین مشهدی.*** مشهد: سنبله.

۲٦–نجاتیان، ح. (۱۳۹۰). ***بررسی و توصیف گویش مشهدی.*** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۷–وحیدیان کامیار، ت.(۱۳۸۳). گویش مشهدی. ***دومین همایش زبان‌های ایرانی و زبان‌شناسی ایران،(۵۵۱–۵٦۷)*** مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۸-وحیدیان کامیار، ت.(۱۳۸٤). بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی. ***فرهنگ و هنر خراسان***، ۷/۱۳، ۳، ۱۰۱-۱۰۷.

۲۹-مشکوه الدینی، م.(۱۳۸۵). ***ساخت آوایی زبان***. چاپ پنجم. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۳۰-مشکوه الدینی، م.(۱۳۸۷). رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌ی محلی زبان فارسی. ***نامه‌ی فرهنگستان***، ۱/۱۰، ٢٤-۷۱.

۳۱- یارشاطر، ا.(۱۳۳٦). زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی. ***مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران***، ۱/۵و۲، ۳۱-۳۹.

32- Burquest, DA (2001***). Phonological Analysis: A functional approach***. 2 nd ed. Dallas: SIL International. Carr, P. (2008). A Glossary of **Phonology**. Edinburgh: Edinburgh University Press.

33- Clements,G. N,& S. J. Keyser(1983). CV phonology: a generative theory of syllable***. Linguistic Inquiry Monograph*** No.9.Cambridge, Mass.: MIT Press Pp191.

34- Crystal,D.(2008). ***A dictionary of linguistics and phonetics***. 6th ed.London: Blackwell Publishing.

35- Jenson, J. T. (2004). ***Principles of Generative Phonology an introduction***, Benjamins Publishing Company.volume250. Ottawa : University of Ottawa Press.

36- Hayes, B. (2009). ***Introductory phonology***. London: Blackwell.

37- Laver, J. (1995). ***Principles of phonetics Cambridge Textbooks in Linguistics***, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.Pp.xxviii+502 appendices.

38- Trubetskoy, N. S. (1958). ***Grundzüge der Phonologie*** (Travaux du Cercle Linguistique de Prague, 7.) Prague. Translated as Principles of Phonology (by CAM Baltaxe). Berkeley: University of California Press, 1969.

Investigation of syllable construction in Mashhadi dialect based on cv- phonology theory

Saeede Shoja-Razavi
Assistant Professor, Research Institute of Iran Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism organization (ICHTO). Tehran, Iran.

Received:20/08/2020 Accepted: 24/04/2021

The study of syllable construction is of great importance in the phonological recognition of a dialect. The present study has investigated the syllabic structure of the Mashhadi dialect in the form of a field design and based on the cv- phonology theory, it deals with the phonological arrangement of the consonants as well as the effect of the core vowel of the syllable on the selection of consonant clusters. The data of this study are the result of interviews with ten speakers native of Mashhad, including men and women between the ages of 60 and 80 and low literacy. In addition, researcher is a native of Mashhad. The research findings indicate that the syllabic element in the Mashhadi dialect is the core before that, a maximum of two consonants and after that, a maximum of two consonants can be placed. During this study, it was observed that the tendency of Mashhadi dialect is more on short syllables in most cases, in comparison with Persian we see the criterion of Epenthesis process. Words like: bozorg/βοζορ≅□/, torΣ/toroΣ/,satl/σ{τελ/ indicates this process. The phonological process in this dialect is divided into four categories, which were discussed in detail in this study.

Keywords: Mashhadi dialect, Syllable construction, Cv- phonology theory, Epenthesis